

اندیشه و تفکر حکومت صهیونیسم^۱

موسی کیم^۲

چکیده

اندیشه‌ی خشونت و ترور به فرمان‌های منسوب به خدا در کتاب‌های مقدس یهودیان بسیار آمده است. تفکر نژاد پرستانه، حس برتری جویی، عشق به تسلط بر دیگران و تحقیر آنان ناشی از اعتقاد‌های منحرف و فاسد در دین یهودیان می‌باشد. این عوامل برای ایدئولوژی صهیونیسم راه را باز کرد تا به آنها برای ایجاد یک حکومت جهانی مجوز دهد و برای تسلط بر انسانها و برده داری، قتل و ترور و خیانت و فریب دادن از آنها استفاده کنند. از مجموعه‌ای کنفرانس‌ها به رهبری «هرتزل» حکومت صهیونیسم متولد شد و با کمک انگلیس در سرزمین‌های فلسطینی، ملیت یهودیان تشکیل گردید. با محاصره نمودن و خرید زمین‌ها با زور و قتل و ترور مردم فلسطین این سرزمین مقدس تبدیل به دولت یهودیان یا قوم برگزیده به نام دولت اسرائیل گردید.

واژگان کلیدی: صهیونیسم، یهود، فلسطین، مسلمانان، انگلیس، اسرائیل، آمریکا، رژیم اشغالگر قدس، انقلاب اسلامی.

۱ تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۸/۴ _ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۲۷

۲ دانش پژوه دوره کارشناسی کلام اسلامی، جامعه المصطفیٰ العالمیه، مشهد مقدس

تاریخچه ورود یهودیان به اروپا بدین ترتیب است که پس از ظهور حضرت عیسی علیهاالسلام و اهانت قوم یهود به ایشان، قیصر روم به فلسطین حمله کرد و در حمله به این شهر (بیت المقدس) بسیاری از مردم و از جمله یهودیان را به قتل رساند و تعدادی از آنها را اسیر و به روم برد؛ همین مسئله باعث باز شدن پای یهودیان به اروپا شد. ازدیاد نسل و جابجایی در بین سرزمینهای مختلف، منجر به پراکندگی قوم یهود در سطح قاره اروپا شد. در قرن ۸ میلادی نیز عده زیادی از مردم نواحی بین دریای خزر و دریای سیاه به یهودیت گرویدند که به «خزرهای ترک» معروف شدند و در حال حاضر ۹٪ از یهودیان اروپا و آمریکا و بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت یهودی سرزمینهای اشغالی از نسل همین گروه هستند. یهودیان در کشورهای اروپایی و به طور کلی در محیطهای محل سکونت خود، همواره یک نوع زندگی درونگرا و بسته‌ای داشته‌اند و بزرگان این قوم ایشان را از اختلاط و آمیزش با ملت‌های دیگر منع می‌نمودند. ملت‌های اروپایی هیچگاه دید مثبتی به یهودیان نداشتند و همین امر باعث شد که قوم یهود همواره در انزوا و حاشیه به سر برد. یکی از مهمترین دلایلی که در تقویت این دیدگاه موثر بوده است، اعتقادات مذهبی مسیحیان می‌باشد؛ که یهودیان را به عنوان قومی که پیامبر ایشان حضرت مسیح را به صلیب کشیده است و به ساحت این پیامبر الهی اهانت نمود، قومی خائن و گناهکار می‌دانند، از سوی دیگر وجود دیدگاههایی در بین خود یهودیان مانند برگزیده بودن از جانب خدا، پست شمردن ملل غیر یهودی، فساد، مخفی کاری، خیانت، رباخواری و زراندوزی باعث به وجود آمدن دیدگاهی منفی از یهودیان در بین مسیحیان شده بود. در کنار دیدگاه منفی مسیحیان نسبت به یهودیان، دیدگاه مشابهی از جانب یهودیان نسبت به مسیحیان به وجود آمد و این مسئله کم کم تبدیل به ایجاد تنش میان ایشان شد. برخی از دولتهای اروپایی از قرن سیزدهم میلادی یهودیان را وادار به نصب علائمی بر روی لباس خود می‌نمودند تا از غیر یهودیان شناخته شوند. در طول سالهای مختلف به کرات تعرضاتی به جان یهودیان صورت می‌گرفت. برخی از این درگیری‌ها از جانب مردم و برخی توسط حکومتها و در واکنش به خلاف کاری‌های ایشان صورت می‌گرفت. از موارد مخالفت حکومتها با یهودیان می‌توان به انگلستان اشاره نمود که در اواخر قرن سیزده میلادی و در روزهای پایان جنگ‌های صلیبی، به دنبال بالا گرفتن احساسات ضدیهودی،



همه یهودیان از این کشور اخراج شدند. علاوه بر دلایلی که در ابتدا در رابطه با علل بروز تفکر و اقدامات ضدیهودی عنوان شد، خود اندیشمندان یهود نیز بارها بر نقش یهودیان در ایجاد و یا دامن زدن به احساسات ضدیهودی تاکید کردند. «برنارد لازار» یکی از برجسته ترین اندیشمندان یهودی (که امروزه انجمنی یهودی در فرانسه به نام وی فعالیت سیاسی و اجتماعی دارد) در مورد دلیل وجود تفکر ضدیهودی چنین میگوید: دلیل تفکر ضدیهودی در تاریخ از ابتدا تا به امروز این بود که یهودی موجودی غیراجتماعی بوده است. بروز تفکر یهودستیزی علل مذهبی، ملی و اقتصادی دارد. یهودیان در همه جا و همیشه خود را قومی برگزیده و بالاتر از اقوام دیگر میدانستند. هرچند یهودیان در حال حاضر در صدد جبران و تغییر این دیدگاه هستند لکن با وجود گذشت قرن‌ها، هنوز هم این دیدگاه در بین اروپائیان وجود دارد و به خاطر حمایت بسیاری از یهودیان از رژیم‌ها که هر روز به جنایت تازه‌ای در سرزمینهای اشغالی دست میزنند، افزایش نیز می‌یابد. (راک خواه، ۱۳۸۴ش: ۲-۱)

تعریف صهیونیسم

تعریف لغوی

«صهیون»، در زبان عبری، به معنای پَر آفتاب و نیز نام کوهی در جنوب غربی بیت المقدس است. کوه صهیون، زادگاه و آرامگاه داود پیامبر علیه السلام و جایگاه سلیمان علیه السلام بود. گاه این واژه نزد یهودیان، به معنای شهر قدس، شهر برگزیده و شهر مقدس آسمانی به کار می‌رود؛ ولی در متون دینی یهود، صهیون، اشاره به آرمان و آرزوی ملت یهود برای بازگشت به سرزمین داود علیه السلام و سلیمان علیه السلام و تجدید دولت یهود دارد. به دیگر سخن، صهیون برای یهود، سمبل رهایی از ظلم، تشکیل حکومت مستقل و فرمان‌روایی بر جهان است و از این رو، یهودیان خود را فرزندان صهیون می‌دانند.

تعریف اصطلاحی

این عبارت به جنبشی سیاسی نسبت داده می‌شود که هدف نهایی و اصلی آن، احیای «حکومت داوود و سلیمان» در همان مرزهایی است که در کتاب «تورات» به یهودیان وعده داده شده است، یعنی محدودهٔ میان رود نیل در مصر تا رود فرات در عراق. پایتخت این دولت هم الزاما باید همان





پایتخت حکومت داوود و سلیمان باشد یعنی شهر بیت المقدس یا به قول مسیحیان و یهودیان، اورشلیم.

محدوده ای که ذکر شد، در میان یهودیان اعم از صهیونیست و غیرصهیونیست به عنوان «سرزمین موعود» شناخته می شود (سروش، ۱۳۸۷ش).

نکته

اگرچه صهیونیسم جدای از یهود است، ولی در موارد گوناگونی این دو با یکدیگر در آمیخته اند و جدایی آنها مشکل است.

تاریخ صهیونیسم

تاریخ صهیونیسم تا حد زیادی به خاطر تداخل عرصه ها و سطوح آن پیچیده است. این تاریخ مختصر از طریق سه عنصر ارائه می شود: عرصه، پیشینه و نیروی انسان. برخی مورخان از هیچ سند مکتوبی تا نیمه قرن نوزدهم وجود ندارد که در آن از واژه «صهیونیسم» استفاده شده باشد. گفته می شود که این اصطلاح، برای اولین بار در سال ۱۸۹۰ توسط یک متفکر یهودی به نام «ناتان پیرنوم» به کار رفت. شش سال بعد که اولین تئوریسین صهیونیسم به نام «تئودور هرتسل» کتابی تحت عنوان «دولت یهود» (ترجمه پورحسن، ۱۳۹۵ش) منتشر کرد. صهیونیسم با هدف تأسیس حکومت مستقل یهود در کشور فلسطین یک جنبش جدید سیاسی است که زیر علم مقدس مذهب یهود سینه میزند و کسب شرف و افتخار می کند؛ در حالی که به دور از مذهب، به دنبال سرزمین میگردد. یک متخصص تاریخ یهود معتقد است که صهیونیسم یک دستگاه ارتجاعی عقاید و نظریات و مجموعه سازمانهای ارتجاعی است که به امپریالیسم خدمت میکند.

به سخنی دیگر، صهیونیسم یک نمود طبقاتی است

مکتب صهیونیسم در اواخر قرن نوزدهم، ایدئولوژی خود را تحت عنوان در به دری، دنبال کرده که خود را از بی وطنی و جذب شدن در سایر اجتماعات، برهاند. تز آنها بر پایه وحدت بر اساس اصول نژادی بود، و تشکیل حکومت یهود به عنوان مرکزی برای تحت نفوذ قرار دادن جهان. لذا در سال ۱۸۸۴ میلادی در یکی از شهرهای یهودی نشین شوروی به نام پینسک (Pinsk) شخصی به نام هواوی زیون، ۵۰ طرح بازگشت یهودیان را به فلسطین با شعار سال دیگر در اورشلیم تهیه کرد و سیزده سال بعد، تئودور هرتزل روزنامه نگار اتریشی با تشکیل اولین کنگره صهیونیستها، از آن طرح یک برنامه عملی ساخت (ایوانف، بی تا: ۱۱).

علل پیدایش صهیونیسم

علل پیدایش صهیونیسم را باید در رابطه با یهود از دو منظر مورد بررسی قرار داد. دیدگاهی مبتنی بر صهیونیسم سیاسی و دیدگاهی که بر صهیونیسم دینی (مذهبی) بنا شده است و حاصل اتحاد هر دو را امروزه می توان در ظهور دولت غاصب اسرائیل ملاحظه نمود (کلباسی، ۱۳۸۷ش: ۴۷۴). امروزه رژیم اشغالگر قدس را می توان نماینده تمام عیار صهیونیسم سیاسی معرفی کرد در حالی که صهیونیسم دینی را می توان نوعی تفکر و ایدئولوژی سازمان یافته دانست که بر صهیونیسم سیاسی تقدم زمانی دارد. چرا که اگر در واقعیات تاریخی هم جستجو کنیم، این ایدئولوژی صهیونیسم بود که با فراهم کردن زمینه های مورد نیاز، به قول پژوهشگر روسی، یوری ایوانف، هرتسل و شرکا! را به فکر این انداخت تا یک دولت یهودی را تأسیس کنند. و به همین خاطر است که امروزه با بالا رفتن پرده ها و بیداری ملت ها صهیونیست ها در صدد جعل قدمت و نشان دادن تاریخی بودن اندیشه صهیونیسم سیاسی دارند، تا نیات پلید و ضد بشری خود، از ایجاد این غده سرطانی را به نوعی در لابلای تاریخ پنهان کنند.

این مسئله زمانی به خوبی روشن خواهد شد، که علل پیدایش صهیونیسم سیاسی و دینی همانگونه که هست و نه آنگونه که تبلیغ شده، بر همگان نمایانده شود.

علل پیدایش صهیونیسم سیاسی

علل پیدایش صهیونیسم سیاسی را می توان بر اساس دو مبنا بیان نمود:

الف. دلایل قومی - تاریخی یهود

ب. دلایل امپریالیستی - استعماری.

الف. دلایل قومی - تاریخی یهود

یهودیان از لحاظ خصوصیات شخصیتی به عنوان قومی متمایز و خاص در میان جوامع میزبان زندگی می کردند و به خاطر زندگی در گتو یا محله های مشخص و جدا از غیر یهودیان این خصوصیات را به نسل های بعدی خود منتقل می کردند. استمرار این خصوصیات در نسل های متوالی، عکس العمل های مشابهی را برای آنان از طرف جوامع میزبان در برداشت. به عبارت دیگر در قرون متمادی، اقوام یهودی همیشه مشکلات مشترکی با جامعه میزبان داشتند،





و این آنان را به چاره جویی برای این مشکلات ترغیب می‌کرد. هر از گاهی عده‌ای هم اقدام به حل این مشکلات می‌کردند؛ اما به خاطر وجود موانعی تا زمان تئودور هر تسل کسی اقدام در خور توجهی انجام نداد، اگرچه تا حدودی توانستند با نفوذ در حاکمیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از مشکلات خود بکاهند. گذشته از عوامل و خصوصیات شخصیتی تأثیرگذار در صهیونیسم سیاسی مثل انزواطلبی و درونگرایی یهود و اشتیاق آنان برای زندگی در محله های یهودی نشین (گتو) می‌توان به دلایلی چون اسطوره‌های تاریخی - قومی آنان نیز به عنوان عوامل تأثیرگذار در تسریع شکل گیری صهیونیسم سیاسی نگاه کرد. اسطوره‌هایی چون حکومت چند صد ساله یهود در فلسطین و تا حدودی اخراج چندین باره آنان از کشورهای میزبان نیز در الهام بخشی آنان به سوی تشکیل حکومت تا حدودی نقش داشته است.

ب. دلایل امپریالیستی - استعماری

انگیزه تشکیل دولت یهود هیچگاه به عنوان غایت برای کشورهای میزبان، که همگی از کشورهای استعمارگر بودند مطرح نبود و آنان به یهودیان همیشه به عنوان ابزار می‌نگریستند که می‌توانند حافظ منافع آنان باشند. با همین رویکرد در سال ۱۶۵۱ قرن‌ها قبل از اینکه تئودور هر تزل و شرکا! به فکر تشکیل دولت یهودی بیفتد، انگلستان در نظر داشت یهودیان را در مستعمره خود بنام سورینام (Surinam) اسکان دهد. فرانسه نیز نقشه مشابهی برای که کاین (Cayenne) در سر داشت (ایوانف، بی‌تا: ۴۵) و کیست که نداند در آن روزگار کشورهای جهان و به نوعی می‌توان گفت کره زمین مستعمره چند امپراتوری قدرتمند بود که انگلیس و فرانسه از جمله آنها بودند. از دیگر دلایل استعماری بودن ایجاد جنبش صهیونیسم می‌توان به مسئله جعل قدمت برای صهیونیسم اشاره کرد تا آنجا که صهیونیست‌ها این اندیشه را به زمان اسارت مردم یهود توسط بخت النصر متصل می‌کنند (ایوانف، بی‌تا: ۱۸). اما شواهدی هست که نشان می‌دهد اساساً سران جنبش در ابتدا، اصراری بر تشکیل حکومت یهودی در سرزمین فلسطین نداشتند و فقط به دنبال کشوری بودند که حق استقلال به یهودیان بدهد تا جایی که پدر صهیونیسم تئودور هر تسل پیشنهاد مستعمره یهودی‌نشین و خودمختار با دستگاه اداری یهودی، در شرق آفریقا در نواحی اوگاندا را در کنگره ششم مطرح کرد. البته اگرچه این پیشنهاد رأی لازم را کسب نکرد، اما این نشان می‌دهد که آن روز اندیشه‌های استعماری در پس نقاب صهیونیسم کمی عریان‌تر و آشکارتر بوده

است (جدیدبناب، ۱۳۸۵ش: ۳۴؛ ایوانف، بی تا: ۸۳-۱۸-۱۴). علل پیدایش صهیونیسم سیاسی را بر مبنای انگیزه های استعماری در اواخر قرن ۱۹ مانند کنترل کانال سوئز شاهراهی حیاتی برای کشور استعمارگر انگلیس به حساب می آمد و وجود یک دولت سرسپرده به انگلیس در کنار کانال، که موافق با سیاستهای استعماری انگلیس و مخالف با ساکنان منطقه باشد، خالی از فایده نبود. حاییم وایزمن که پس از مرگ هر تسلا ریاست سازمان صهیونیسم را بر عهده گرفته بودند در نوامبر ۱۹۱۴ م طی نامه ای به اسکوت رئیس هیئت تحریریه روزنامه منچستر گاردین نوشت: اکنون می توان گفت که اگر فلسطین در چنبره قدرت و نفوذ بریتانیا قرار گیرد و انگلیس، این سرزمین را به عنوان مستعمره خود، محل اسکان و وطن یهودیان قرار دهد ما می توانیم در طول سی سال آینده، حدود یک میلیون یهودی را در آن سرزمین جای دهیم تا تمدن را به آن نقطه از جهان منتقل ساخته و چهره آنجا را دگرگون کنند و به منزله نگاهی مطمئن و فعال برای کانال سوئز قرار گیرند. (کفاش، شفیع، ۱۳۹۶ش: ۳۳۷)

علل پیدایش صهیونیسم دینی

می توان اجمالا صهیونیسم دینی را این طور تعریف نمود که تفکری است با این مبنای که بازگشت یهودیان به سرزمین فلسطین و تشکیل حکومت در آنجا را بر مبنای متون مقدس و تعالیم الهی لازم و ضروری می داند. صهیونیسم دینی را هم باید از دو منظر مورد بررسی قرار دهیم:

الف- صهیونیسم دینی بر اساس متون مقدس یهود و آموزه های دینی آنان

ب- صهیونیسم دینی بر اساس عهد جدید یا از منظر مسیحیان لازم به ذکر است که هم در میان یهودیان و مسیحیان کسانی هستند که اساسا با اندیشه صهیونیسم و همچنین حکومت اسرائیل به شدت مخالفند، که در جای خود بدان اشاره خواهیم کرد.

الف: صهیونیسم دینی بر اساس متون مقدس و آموزه های دینی یهود

اگر بخواهیم اندیشه بازگشت یا جنبش صهیونیسم را بر اساس متون مقدس یهود مورد بررسی قرار دهیم فقط در صورتی می توانیم این جنبش را الهام گرفته از عهد قدیم بدانیم که تفسیری بنیادگرایانه و خشک از الفاظ آن داشته باشیم. همانطور که امروزه اندیشه حاکم در دولت غاصب اسرائیل دارای چنین باوری می باشد. بازگشت به سرزمین فلسطین (یهودا - اسرائیل)





و استقرار در آن و سپس انتقام از ساکنان سایر سرزمین ها بویژه سرزمینهای مجاور محتوای بسیاری از عبارات آرمان گرایانه عهد عتیق است و بر همین مبناست که افزایش قلمرو و زمین در بسیاری از افکار و اندیشه های یهودیت ریشه دوانده است (کلباسی، ۱۳۸۷ش: ۴۲۳).

تورات بازگشت را به مثابه یک امر قدسی و وظیفه دینی می نگرد، و حتی در بسیاری از موارد، یهوه (خدای اسرائیل) است که به بازگشت به سرزمینی موروثی و تصرف و اخراج ساکنان آن ترغیب می کند

اساسا خداوند و پیامبران معرفی شده در دین یهود، همگی به گونه ای افراطی، خشمگین، غضبناک و خونریزند. خدایی که دائم به فکر انتقام گیری از سایر ملتها به خاطر اسارت قوم یهود است.

آیات از کتاب مقدس

این اندیشه در سفر خروج بیان شده است: و اکنون اگر آواز مرا فی الحقیقه بشنوید و عهد مرا نگاه دارید همانا خزانه خاص من از جمیع قومها خواهید بود، زیرا تمامی جهان از آن من است. (خروج، فصل ۱۹: آیه ۵) خاخامها در تفسیر این آیه می گویند که در ابتدا، تورات بر اقوام دیگر عرضه شد، اما همه آنان آن را رد کردند، چون فرمانها و دستورهای آن با زندگی فاسد و تبهارانه آنان در تعارض بود، ولی بنی اسرائیل حتی قبل از آنکه به محتوای تورات آگاهی یابند آن را پذیرفتند. (نئوسنر، ۲۰۰۶، ج ۵: ۴۹۹)

چه جهت داشت که ذات قدوس متبارک ملت اسرائیل را انتخاب کرد؟ برای آنکه تمام ملتهای بت پرست تورات را رد کردند، اما قوم اسرائیل پذیرفت و ذات قدوس متبارک و تورات او را برای خود انتخاب کرد (تلمود / ۸۱)

ب. صهیونیسم دینی بر اساس عهد جدید و عقاید مسیحیان صهیونیست
در آیین مسیحیت جریانی که بیشترین تأثیر را در حمایت از اندیشه صهیونیسم و تشکیل دولت غاصب اسرائیل داشت، مذهب پروتستان بود. مسیحیان صهیونیست یا همان پیروان مذهب پروتستان بر این عقیده اند که ظهور مجدد حضرت عیسی مسیح علیه السلام مسبق به ۳ حادثه است .

۱- تشکیل دولت یهودی در فلسطین

۲- اشغال بیت المقدس

۳- بازسازی هیکل سلیمان

اما کلیسای کاتولیک بر این عقیده بود که خداوند ملت یهود را به خاطر به صلیب کشیدن مسیح از فلسطین اخراج کرده است و مسئله بازگشتی که

در کتاب مقدس وجود دارد ناظر به بازگشت آنان از بابل می‌باشد. کلیسای کاتولیک حتی در جریان کنفرانسهای صهیونیستی نیز پاپ مخالفت آشکار خود را با جنبش صهیونیسم و مهاجرت یهودیان به فلسطین اعلام کرد (پیشین: ۴۵). ما در سال ۱۹۴۷ م مصوبه سازمان ملل را مبنی بر تقسیم ثلاثی فلسطین و بین المللی شدن بیت المقدس مورد تأیید قرار داد.

پروتکل های ۲۴ گانه یهود

در تاریخ ۱۸۹۷ میلادی پس از آن که محل اجلاس نخستین کنگره ی یهود در شهر بال سوئیس طعمه ی حریق گشت، اسنادی به دست پلیس تزاری افتاد که بعدها به پروتکل های ۲۴ گانه ی یهود معروف شدند. این اسناد در حقیقت عهدنامه هایی بود که راه آینده ی صهیونیست‌ها را به منظور سلطه بر جهان ترسیم می‌کردند. این پروتکل های ۲۴ گانه که در واقع اصول سیاست صهیونیسم و نوع نگرش آنان به جوامع انسانی را نشان می‌دهد، حتی سال ها پیش از تأسیس رژیم صهیونیستی در سرزمین فلسطین گویای دسیسه‌های شیطانی آنها بر ضد جهان بشریت است. این پروتکل‌ها اینگونه‌اند:

- **پروتکل اول:** حق با زور است. آزادی ایده‌ای بیش نیست. الفبای سیاست عبارت است از:

اختلافات حزبی، استبداد مطلق در حکومت، رواج مشروبات الکلی، کهنه پرستی و تباهی اصول و قواعد.

- **پروتکل دوم:** شالوده‌های تفرق یهود: جنگ‌های اقتصادی، حکومت‌های ظاهری و مشاوران مخفی، مانند دولت آمریکا.

- **پروتکل سوم:** افعی، نماد یهود که مفهوم آن عبارت است از: اختلال در معیارهای شرعی و قانونی کشورها، ترور و وحشت در کاخ‌ها و حکومت‌ها، حمایت از پارلمان‌ها و سخنرانان و نویسندگان پر حرف و کم کار، سوء استفاده از قدرت، بردگی اقتصادی، تاجگذاری و حکومت پادشاهان حاکم یهود بر سراسر جهان.

- **پروتکل چهارم:** مراحل مختلف یک حکومت جمهوری از دید یهود: آزادی‌خواهی توسط عوامل یهود، رقابت اقتصادی بین المللی، نقش سفته بازی‌ها و زرپرستی که نتیجه‌ی آن را در پروتکل پنجم می‌بینیم.

- **پروتکل پنجم:** راه‌های ایجاد یک حکومت مرکزی مقتدر یهودی: گرفتن زمام قدرت با حربه‌ی آزادی‌خواهی، تأثیر فراوان انتقاد و عیب جویی



- در تخریب و ویرانگری اندیشه‌ها به وسیله‌ی فن مخرب سخنوری.
- **پروتکل ششم:** انحصار و وابستگی ثروت کشورها و بیرون آوردن ثروت‌های مستغلاتی (زمین) از دست دولتها، تجارت صنعت و بورس بازی، رواج عیاشی و تجمل پرستی، افزایش دستمزدهای کارگری و گران کردن مایحتاج عمومی و ترویج عوامل هرج و مرج و می‌گساری.
- **پروتکل هفتم:** مسلح شدن یهود جهت دفاع و حملات شدید، سرکوب قیام‌ها توسط عوامل، برافروختن جنگ‌های محدود و منطقه‌ای یا جهانگیر، رازداری رمز موفقیت سیاست ما (یهود)، استفاده از مطبوعات و افکار عمومی، استفاده از قدرت‌های عواملی مانند آمریکا، چین، ژاپن و دولت‌های دیگر.
- **پروتکل هشتم:** به‌کارگیری حقوق قانونی بصورت مبهم و گمراه‌کننده توسط دستیارانی از مرکز صهیونیست در مدارس و در میان فارغ‌التحصیلان سطح بالای علمی، اقتصاددان‌ها و میلیونرها، صاحبان پست‌های بزرگ و حساس در حکومت‌ها.
- **پروتکل نهم:** پیاده کردن اصول آزادی‌خواهی آن‌طور که ما در تعلیمات خود به ملت‌ها می‌آموزیم، از بین بردن مفهوم و اندیشه‌ی یهودستیزی با استفاده از ابزار دیکتاتوری، ترور و وحشت توسط خدمتگزاران ما، ایجاد فرضیه‌های دروغ و به‌راه انداختن جنبش‌های سری و لانه‌های مخفی با استفاده از شور جوانان ناآگاه.
- **پروتکل دهم:** نمای بیرونی صحنه‌ی سیاسی یهود: وعده‌های تو خالی انقلاب و آزادی، از بین بردن اعتماد به نفس توسط رهبران دست‌نشانده و منتشر کردن میکروب بیماری‌های اخلاقی و زشتی‌های آزادی‌خواهی.
- **پروتکل یازدهم:** برنامه‌های قانون اساسی جدید در حکومت‌ها و انقلاب‌های نوین توسط عوامل ما، نمای بیرونی آزادی در حکومت‌ها است.
- **پروتکل دوازدهم:** تسلط بر مطبوعات و بنگاه‌های خبرگزاری، ترقی در قاموس یهود، همبستگی در مطبوعات به صورت زنجیره‌ای، دامن زدن به خواست‌های مردم در اطراف شهرها و روستاها و افشای خطای حکومت‌ها.
- **پروتکل سیزدهم:** نیاز به مسائل سیاسی و صنعتی و تفریحات و سرگرمی‌ها مانند نیاز انسان به نان روزانه است.
- **پروتکل چهاردهم:** یهودیت دین آینده: شکل‌های آینده‌ی بردگی در قالب دین، پوشیده و ناشناخته خواهد بود.
- **پروتکل پانزدهم:** قیام یهود کودتایی که جهان آینده را فراخواهد گرفت،



اعدام آزادی خواهان و حتی دست نشانده‌های ما، یهود مظهر پدر در حکومت های جهان، پادشاه اسرائیل همان پدر جهان است.

- **پروتکل شانزدهم:** از بین بردن و عقیم کردن برنامه های آموزشی دانشگاهها، جایگزین کردن تعالیم و راهبردهای ما بوسیله ی قدرت تبلیغ در مراکز علمی، حذف آموزش آزاد به منظور فراری دادن نظریات نوین.

- **پروتکل هفدهم:** وکالت قضایی تنها از آن ماست که با نفوذ روحانیون دست نشانده به نام آزادی وجدان با از میان برداشتن حکومت پاپ و جایگزین کردن پادشاهی یهود در مبارزه با کلیسای فعلی انجام می شود.

- **پروتکل هجدهم:** اندیشه‌ی تدابیر دفاعی مخفی، زیر نظر داشتن توطئه ها از داخل و خارج، تدابیر دفاع علنی با به دست آوردن ابزار جنگی هرچند مخالف جهان باشد، ایجاد گارد مخفی پیرامون پادشاه یهود، از بین بردن صبغه‌ی مذهبی حکومت ها بر دین یهود، دستگیری، زندان و اعمال فشار با کمترین شبهه.

- **پروتکل نوزدهم:** اندیشه حق ملت‌ها در ارائه‌ی شکایات و پیشنهادها در جامعه که همان آشوب سیاسی در حکومت ها است.

- **پروتکل بیستم:** برنامه‌ی مالی یهود: مالیات تصاعدی، خزانه داری کل و اسناد وام با بهره، کاهش سطح دستمزدهای کارگری، وام های دولتی و انتشار اوراق با ربح درصدی (ربا).

- **پروتکل بیست و یکم:** قرضه ی داخلی، دیون و مالیات‌ها، تبدیل دیون به دیون تلفیقی، ورشکستگی بانک های پس انداز و درآمد، حذف ارزش های صنعتی.

- **پروتکل بیست و دوم:** اسراری که در آینده معلوم خواهد شد، با عمل به پروتکل بیست و یکم، بدهی های دولتها و شالوده‌ی آینده‌ی خوب، برای ما به شمار می روند.

- **پروتکل بیست و سوم:** بیکاری صنعتگران، از بین بردن ممنوعیت باجگیری و مشروبات الکلی برای از بین بردن جوامع و ادیان پیشین غیر یهود و احیای برگزیده‌ی خداوند که همان حکومت یهودیت است

- **پروتکل بیست و چهارم:** تلاش ما در تثبیت و تقویت سلاله‌ی پادشاه داوود که به یهود ختم می شود، تربیت و آماده کردن پادشاه برای حکومت و تخت و کنار زدن وارثان غیر شایسته هرچند از تبار داوودی باشند. فقط پادشاه و دستیاران سه گانه‌ی او حاکمان جهان و تعیین گر سرنوشت امت یهود هستند، در واقع تلاش ما بر آن است تا پادشاه یهود را از هر عیبی مبرا داریم (نویهض، ترجمه شیخی، ۱۳۸۷ش).



تولد حکومت صهیونیسم

در اواخر قرن نوزدهم آئین ناسیونالیستی سراسر اروپا را فرا گرفته بود. بعضی از یهودیان نیز تحت تاثیر این آئین به این نتیجه رسیده بودند که روابط به اصطلاح نژادی که میان یهودیان موجود است یک «ملیت» یهود می سازد و در نتیجه این به اصطلاح «ملت یهود» حقوق ملی عادی اعطا می کند.

از جمله این حقوق ملی، حق زندگی جداگانه و حق تاسیس یک دولت یهودی را نام می بردند. استدلال این گونه یهودیان بدینگونه بود که اگر ملت‌های دیگر اروپایی موفق شده‌اند بال قدرت خود را در آسیا و آفریقا بگسترند و بر امپراطوری‌های خود قسمت‌های وسیعی از این قاره‌ها را بیافزایند قوم یهود هم دارای همین حق است. در نتیجه فکر تشکیل یک حکومت خود مختار در فلسطین که یهودی‌ها آن را به دلیل زندگی موسی و سلیمان سرزمین آبا و اجدادی خود می دانستند، برای اولین بار در سال ۱۸۸۲ پا گرفت. با آنکه اروپا از کمک به این ماجرا دریغ نمی‌ورزید، اقدامات اولیه استعمار یهود در فلسطین سرانجام موفقیت آمیزی نیافت و علی‌رغم کوشش‌هایی که در سال‌های ۱۸۹۷-۱۸۸۲ انجام گرفت، یهودیان کمتر جذب فلسطین شدند و قسمت اعظم آنها به آرژانتین و ایالات متحده مهاجرت کردند. برنامه یهودیان عملاً به شکست انجامید. برای ریشه‌یابی علل شکست طرح اولیه، نخستین کنگره صهیونی در اوت ۱۸۹۷ در بازل سوئیس تشکیل شد. ریاست این کنگره را تئودور هرتزل بعهده داشت.

عده‌ای معتقدند تاریخچه به وجود آمدن افکار صهیونیستی را بایستی در نوشته‌های موسی هس (ایوانف، ترجمه یونسی، ۱۳۵۱ش: ۵۲) در کتاب روم، اورشلیم در سال ۱۸۶۲ و لئوپینسکر (باراتس، ترجمه سالکی ۱۳۴۲ش: ۳۵) در کتاب خود رها سازی (خطیبی، ۱۳۴۹: ۳۵) که در سال ۱۸۸۲ منتشر شد، جستجو کرد. هس که از اولین صاحب نظران یهود در مسئله صهیونیسم می‌باشد، نکته جالبی را ارائه داده و نوشته است که یهودی متجددی که وجود ملیت یهود را انکار کند، نه فقط یک ملحد به مفهوم مذهبی است، بلکه خائن به ملت و نژاد و حتی به خانواده‌اش می‌باشد.

هرتزل با الهام گرفتن از نوشته‌های هس آلمانی و لئوپینسکر روسی برای تأسیس مکتبی جهت گردآوردن یهودیان پراکنده در جهان و یا محصور در محله‌های کلیمی کشورها، اقدام کرد. دوران خجالت از یهودی بودن سپری

شده است و محلی برای مخفی کردن خود در پس پرده استتار و خجالت از یهودی بودن وجود ندارد. معاون او، حیم وایزمن، اولین رئیس جمهور اسرائیل با آن نظر مخالفت کرد و راه حل اسکان یهودیان را تنها در فلسطین امکان پذیر می دانست .

هرتزل در کتاب (دولت یهود) پس از آنکه در اثر مخالفت بعضی از صهیونیست‌ها ناگزیر شد که پیشنهاد تأسیس دولت یهود را در کشور اوگاندا نپذیرد، چنین نوشت: یهودیان قومی را تشکیل می‌دهند که از لحاظ خصیصه‌های ذاتی و معتقدات نژادپرستی، هرگز نمی‌توانند در سایر اجتماعات حل و جذب شوند. لذا چاره این است که برای این قوم پراکنده، وطنی دست و پا شود تا در آنجا، همگی در کنار هم سکنی گزینند و ... آن، سرزمین فلسطین است.

وقتی هرتزل کتاب (دولت یهود) را مینوشت، فلسطین از جمله مستعمرات دولت عثمانی بود و دولت‌های استعمارگر اروپایی، چشم طمع به آنجا و همه ممالک خاورمیانه دوخته بودند. لذا به اعتقاد هرتزل که تنها محل برای سکنا دادن یهودیان جهان، فلسطین است، صحه گذاشتند و آن را پذیرفتند؛ و چنان که قبلاً گفته شد، دولت انگلیس با یک تیر، دو نشان زد؛ هم یهودیان را به صورت محترمانه از کشور خود بیرون راند و هم خود جانشین دولت عثمانی در آن سرزمین شد. به دنبال این جریان‌ات، در اواخر قرن ۱۹ در لندن انجمنی به استعمار « نام سوریه و فلسطین » تشکیل شد که سرآغاز ظهور رسمی صهیونیسم بود. در این مورد، یکی از اولین رهبران صهیونیست‌های اوایل قرن بیستم اظهار داشت: آن زمان فرا رسیده بود که اگر صهیونیسمی هم وجود نداشت، بریتانیای کبیر آن را آغاز کند و بتراشد. به این ترتیب سازمان جهانی صهیونیسم با تز ایجاد وحشت و ترور که هدف «سازمان مالی صهیونیست‌ها» بود، به وجود آمد و خانواده روچیلد و سایر بانکداران یهودی، زمام کار آن سازمان را با هدف عمران و توسعه صنعت و کشاورزی و بازرگانی در فلسطین به دست گرفتند (باراتس، ترجمه سالکی، ۱۳۴۲ش: ۲۱).

با توجه به مسائل یاد شده، صهیونیست‌ها، به ویژه « هرتزل » شروع به خوش خدمتی کردند؛ به طوری که نامبرده برای جلب رضایت بیشتر مستعمره‌گران در کتاب خود بی‌هیچ واهمه‌ای با کلمات «استعمار و مستعمره» به نحوی که رضایت خاطر مستعمره‌گران، به ویژه دولت انگلیس را فراهم کند، بازی کرده و در نهایت بی‌پروایی و وقاحت نوشته است که: «ما در آنجا،





باید بخشی از برج و باروی استحکامات اروپا علیه آسیا را تشکیل دهیم و یک برج و باروی تمدن علیه وحشیگری بسازیم».

پس از آنکه صهیونیسم پا گرفت و بر تعداد طرفدارانش افزوده شد، صندوق ملی یهود برای جمع‌آوری اعانه جهت اسکان دادن یهودیان مهاجر تأسیس شد. «بارون روچیلد» بانکدار معروف آلمانی الاصل انگلیسی، اولین دهکده یهودی‌نشین را به نام «ریشون لوسیون» برای اسکان آنها و ایجاد «کارخانه شراب‌سازی» دایر کرد و به قول ژوزف باراتس که از جمله اولین مهاجران روسی است: «اگر کمک او نبود، آنها حتی قادر به زنده ماندن هم نبودند.» زیر پرتو کمکهای «روچیلد» بود که آنها توانستند راه خوشبختی را بیمایند.

نقشه سیاسی جهان پس از جنگ جهانی اول با ماقبل خود اختلاف روشنی پیدا کرد. استعمار انگلیسی بر استعمار آلمان پیروز شد و از مرده ریگ امپراتوری عثمانی سهم شیر برد. آنگاه نشانه‌های ملی‌گرایی عربی پدیدار شد. اما جنبش ملی‌گرایی عربی و جنبش مقاومت عربی فلسطین مخصوصاً در اوایل ضعیف بود و قدرت بسیج توده‌ها را نداشت تا آنها را بر ضد استعمار انگلیس و استعمار صهیونیستی سازمان دهد؛ آن هم صهیونیستی که به شکلی نو و مدرن سازمان یافته بود و ارتباطات بین‌المللی داشت و در داخل و خارج فلسطین با یکدیگر به طور کامل همکاری می‌کرد.

انتقال و اسکان یهودیان در فلسطین

هدف اصلی و اساسی صهیونی که در کنگره بازل اعلام شد این بود: «هدف ما ایجاد کانون برای خلق یهود در فلسطین است. این کانون باید به وسیله حقوق عمومی تضمین و حمایت گردد». باید دانست که از زمانی که برنامه بازل در سال ۱۸۵۷ تدوین گردید. صهیونیست‌ها همیشه تعبیر غیرصریح «کانون» را بر لفظ صریح «دولت» ترجیح داده‌اند. دلیل این ترجیح آن است که لفظ «دولت» بدون شک موجب می‌شد مخالفت‌هایی در محافل مختلف برانگیخته شود. در پایان کنگره؛ هرتزل در دفتر خاطراتش اینطور می‌نویسد: اگر بخواهم کنگره بازل را در یک جمله خلاصه کنم (و البته این کاری است که علناً نخواهم کرد) باید بگویم که در بازل من دولت یهود را بنیان نهادم. لکن اگر این مطلب را امروز اعلام کنم همه مردم مرا دست خواهند انداخت. استعمار صهیونی فلسطین پس از ۳۰ سال کوشش و فعالیت پیشرفت بسیار کمی داشت و صهیونیست‌های مقیم فلسطین اقلیت بسیار کوچکی را تشکیل

می دادند و تنها شامل یک درصد جمعیت یهود در سراسر جهان بودند . فعالیت صهیونیست ها هم ترس و هم مخالفت یهودیان دیگر را برانگیخت . این دسته از یهودیان راه حل مسئله یهود را خود مختاری در سرزمین فلسطین نمی دیدند و خواهان در هم آمیختن یهودیان با مردم اروپا و ایالات متحده بودند . یهودیان فلسطین حتی ۸ درصد کل جمعیت فلسطین را هم تشکیل نمی دادند و به زحمت ۵.۲ درصد از زمین های فلسطین را در تصرف داشتند .

جنگ جهانی اول عامل اتحادی شد که در سال ۱۹۱۷ میان امپریالیسم بریتانیا و استعمار صهیونی برقرار گردید . این اتحاد در طی ۳۰ سال بعد از ۱۹۱۷ دروازه های فلسطین را بر روی مستعمره نشینان صهیونی باز کرد و زمینه را برای خرید و غصب املاک خلق عرب فلسطین و اخراج آنها مهیا ساخت و دست آخر مقدمات ایجاد دولت استعماری صهیونی را در سال ۱۹۴۸ مهیا ساخت . در آغاز صهیونیست ها بصورت گروه های کوچکی به فلسطین وارد می شدند و اهداف سیاسی، استعماری خود را در زیر پرده ای انگیزه های مذهبی یا انسانی مخفی کرده بودند . در این هنگام اعراب فلسطینی می پنداشتند که این مهاجران زائرانی هستند که تمایلات مذهبی آنها را به «ارض مقدس» کشانده و یا پناهندگانی هستند که پس از تحمل زجر و شکنجه از اروپای شرقی رانده شده اند و در جستجوی پناهگاهی در فلسطین هستند . نتیجه این شد که اعراب فلسطین از این گروه ها صمیمانه و برادرانه استقبال کنند . شیوه رفتار مهمان نوازانه اعراب کم کم جای خود را به سو ظن و ناراحتی داد .

اخراج مرتب زارعان و کارگران همچنین تحریم محصولات اعراب تنفر عمومی را برانگیخت، اما هنوز اعراب متوجه جنبه ناسیونالیستی و سیاسی برنامه بسیار وسیع صهیونیست ها نشده بودند . سازمان جهانی صهیونی را به عنوان «آژانس یهود» به رسمیت شناخت و دروازه های فلسطین را بر روی مهاجرت وسیع صهیونیست ها گشود و به اعتراضات اعراب توجه نکرد . همچنین انگلستان در فلسطین امتیاز بهره برداری از اراضی خالصه را به مستعمره نشین های یهودی واگذار کرد و از موسسات کاملاً تازه ای «کانون ملی» حمایت کرد و به جماعت یهود اجازه داد مدارس مخصوص خود را تاسیس کنند و سازمانی به نام «هاگاتا» ترتیب دهند . در ۹ دسامبر ۱۹۱۷ بیت المقدس (اورشلیم) توسط انگلیس اشغال شد و چشم و گوش عرب ها را کمی باز کرد . از این دوره به بعد است که فلسطین صحنه مقاومت مداوم بر ضد





صهیونیست ها می گردد.

صهیونیست‌های پولدار زمین‌های فلسطینیان را به چند برابر قیمت از آنها می خریدند و در این راه از دلال‌های ایرانی و عربی استفاده می کردند. (برای مثال سید ضیا عامل کودتای ۱۲۹۹ پس از متواری شدن از ایران به فلسطین رفت و به کار خرید زمین برای صهیون‌ها مشغول شد). البته انگلیس پیش خود حساب می کرد که این همکاری منافعش را نیز در بردارد. از این جهت هر بار که صهیونیسم سعی می کرد جنبش ایجاد یک دولت را تسریع کند دست به حمله متقابل می زد و چوب لای چرخ این کار می گذاشت.

اعراب فلسطین در اثر ۳۰ سال قیومیت انگلیس آنقدر ضعیف شده بودند که آمادگی مقابله و مقاومت در برابر حمله جماعت صهیونیست را نداشتند. این جماعت علاوه بر اینکه سازمان یافته و مسلح شده بودند، از پشتیبانی جامعه بین‌المللی آمریکایی-اروپایی نیز برخوردار بودند.

در سال ۱۹۳۶ فلسطینیان جنبش عدم اطاعت عمومی را آغاز کردند و این شورش و اعتصاب که ۱۷۴ روز طول کشید (و به قوی طولانی ترین اعتصاب عمومی طول تاریخ است) شامل تمام سازمان‌ها و وسائل ارتباطی اداره شده توسط اعراب می شد که سرانجام با دخالت رهبران عرب پایان یافت؛ به امید مذاکره با انگلیس که البته هیچ وقت تحقق نیافت. در پایان اکتبر و اوایل نوامبر سال ۱۹۵۶ دولت صهیونی از فرصت استفاده کرد و در هنگامی که فرانسه و انگلیس به مصر حمله کرده بودند قسمتی از صحرای سینا و حاشیه نوار غزه را اشغال کرد و در مقابل درخواست‌های مکرر سازمان ملل مبنی بر پس دادن زمین‌های فلسطین و مصر می گفت این نواحی جزو قسمت تاریخی و میراث ملی صهیونیست هاست و تازه ادعا می کرد این سرزمین‌های اشغال شده فقط قسمت کوچکی از سرزمین اسرائیل است.

در سال ۱۹۶۴ با ایجاد سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف)، فلسطین وارد دور تازه‌ای از حیات خود شد.

این‌ها گوشه‌ای از تاریخ و تفکرات رژیم اشغالگر اسرائیل بود که بسیار مختصر بیان شد.

نتیجه گیری

صهیونیسم جنبشی سیاسی و نژادپرست و افراطی است که هدف آن تشکیل دولت یهود در فلسطین است تا از آن طریق بر جهان حکومت کند. نام صهیونیسم مشتق از کوه صهیون در فلسطین است و آموزه ها و تعالیم تورات و تلمود را که خواهان تحقیر جامعه بشری و تقویت حس انتقام جویی از غیر یهود است، تحریف کرده است و مبادی و اصول ویرانگر یهود را در کتابی تحت عنوان پروتکل های حکمای صهیون که خطرناک ترین قوانین و مقررات را در طول تاریخ در خود جای داده است، مدون کردند.



منابع

- سروش، حمیده، بی‌تا، مقاله چستی صهیونیسم سایت سازمان تبلیغات اسل امی.
- ایوانف، یوری، بی‌تا، صهیونیسم، ترجمه ابراهیم یونسی (۱۳۵۱ش)، انتشارات امیر کبیر.
- جدید بناب، علی، (۱۳۸۵ش)، عملکرد صهیونیسم در برابر جهان اسلام، انتشارات موسسه آموزی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- حامد کفاش، فاطمه شفیعی سروسستانی، (۱۳۹۶ش)، تاریخ یهود و صهیونیسم، سایان.
- باراتس، ژوزف، دهکده‌های در کنار اردن داستان دگانیای، ترجمه حسین سالکی (۱۳۴۲)، ناشر اطلاعات
- کلباسی اشتری، حسین، (۱۳۸۷ش)، مدخلی بر تبارشناسی کتاب مقدس، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- راک خواه، فاطمه، ۱۳۸۴ش، صهیونیسم (پیدایش، گسترش، ساختار)
- هرتسل، تئودور، (۱۹۹۶م) دولت یهود (ترجمه پورحسین، ناصر، ۱۳۹۵ش)
- کتاب مقدس تورات، قرن نهم قبل از میلاد، سفر خروج
- نئوسنر، یاکوب، (۲۰۰۶م) دانشنامه جودائیکا، انتشارات Macmillan
- Reference USA**
- نویه‌ض، عجاج، ترجمه حمیدرضا شیخی (۱۳۸۷ش)، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس
- خطیبی، عذرا، (۱۳۴۹ش)، چاپخانه مرد مبارز، اصل مأخذ: تاریخ خاورمیانه ژرژ لنچافسکی.